

هزینه‌های اقتصادی تروریسم در غرب آسیا؛ بررسی تحلیلی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۷

مهدی شاپوری*

چکیده

این مقاله بر آن است که تروریسم به دو روش بر وضعیت اقتصادی کشورهای غرب آسیا تأثیر گذاشته است: یکی، تخریب مستقیم با حمله به زیرساخت‌ها و منابع مادی و انسانی و دیگری، آسیب‌رسانی غیرمستقیم از طریق تشدید عدم قطعیت و فضای امنیتی. پیامدهای اقدامات تروریستی در منطقه را نیز می‌توان به کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. در مجموع، تروریسم تا کنون هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی بر کشورهای غرب آسیا تحمیل نموده و به تداوم توسعه‌نیافتگی در این منطقه کمک کرده است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که تروریسم تنها یکی از ریسک‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیاست و تأثیرگذاری آن بر وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه، مستقل از دیگر ریسک‌های ژئوپلیتیکی در این منطقه قابل بررسی و ارزیابی کامل و دقیق نیست.

واژگان کلیدی: تروریسم، غرب آسیا، تخریب، هزینه اقتصادی، توسعه.

Shapouri2671@gmail.com

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال بیستم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۶ • شماره مسلسل ۷۷

مقدمه

غرب آسیا (خاورمیانه) در دو دهه اخیر به زادگاه، پناه‌گاه و قربان‌گاه تروریسم تبدیل شده است؛ به طوری که هم‌اکنون این پدیده به‌عنوان یکی از نمادها و سنجه‌های شناساننده این منطقه مطرح است. امروزه وقتی سخن از غرب آسیا به میان می‌آید، ناخودآگاه واژه تروریسم در کنار واژگان با بار معنایی منفی دیگری مانند بی‌ثباتی، درگیری، جنگ و خشونت به ذهن متبادر می‌شود. تفکرات، گروه‌ها و اقدامات تروریستی برای غرب آسیا و جهان پیامدهای غیر قابل انکاری داشته‌اند. این مقاله به بررسی پیامدهای اقتصادی این پدیده در غرب آسیا می‌پردازد و هدف آن، بررسی چستی و چگونگی تأثیرگذاری تروریسم بر مسائل و روندهای اقتصادی در این منطقه است. بر این اساس، سوال مقاله این است که تروریسم به چه میزان و چگونه بر وضعیت اقتصادی در غرب آسیا تأثیر گذاشته است؟ تروریسم پدیده‌ای تخریب‌گر و دارای آثار و پیامدهای منفی بر بخش‌ها و حوزه‌های مختلف زندگی جوامع است. بر مبنای این مفروض، این مقاله بر آن است که تروریسم تا کنون هزینه‌های اقتصادی قابل توجهی بر کشورهای غرب آسیا تحمیل نموده و به تداوم توسعه‌نیافتگی در این منطقه کمک کرده است. تروریسم به دو روش بر وضعیت اقتصادی کشورهای غرب آسیا تأثیر گذاشته است: یکی، تخریب مستقیم با حمله به زیرساخت‌ها و منابع مادی و انسانی و دیگری، آسیب‌رسانی غیرمستقیم از طریق تشدید عدم قطعیت و فضای امنیتی.

پیامدهای اقدامات تروریستی در منطقه را نیز می‌توان به کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که تروریسم تنها یکی از ریسک‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا است و تأثیرگذاری آن بر وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه مستقل از دیگر ریسک‌های ژئوپلیتیکی در این منطقه قابل بررسی و ارزیابی نیست. علاوه بر این، تأثیرگذاری تروریسم بر اقتصاد کشورهای منطقه به یک میزان نیست، بلکه شدت، مدت، دامنه و قدرت عمل تروریست‌ها از یک طرف، و ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های بازیگران منطقه از طرف دیگر، تعیین‌کننده میزان اثرگذاری تروریسم بر اقتصاد هر کدام از کشورهای منطقه است. در این مقاله، ابتدا بر مبنای تجارب و شواهد موجود، چارچوبی تحلیلی درباره چگونگی تأثیرگذاری تروریسم بر مسائل و روندهای اقتصادی ارائه می‌شود. سپس اثرگذاری و پیامدهای

این پدیده بر اقتصاد در غرب آسیا به‌ویژه کشورهایی که بیشتر با این مسئله درگیر هستند و چگونگی مکانیزم این تأثیرگذاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. پیامدهای اقتصادی تروریسم؛ چارچوبی تحلیلی

برداشت‌ها و تعاریف مختلفی از تروریسم وجود دارد؛ به طوری که حتی نهادهای داخلی درگیر با موضوع تروریسم در کشوری مانند آمریکا نیز در تعریف این پدیده اختلافاتی دارند (Enders and Sandler, 2006: 5). اما در یک تعریف نسبتاً جامع، تروریسم عبارت است از «استفاده عامدانه یا تهدید به استفاده از خشونت توسط افراد و گروه‌های فراملی در راستای دستیابی به اهداف سیاسی و اجتماعی از طریق ارباب جمع بزرگی از مخاطبان، فراتر از قربانیان مستقیم» (Enders and Sandler, 2006: 3). دست زدن به خشونت یا تهدید به آن و انگیزه سیاسی یا اجتماعی دو جزء اساسی تروریسم مدرن هستند. بدون اولی، تروریست‌ها نمی‌توانند تصمیم‌گیران سیاسی را نسبت به تقاضاهای خویش به پاسخگویی وادارند و بدون دومی، اقدام خشونت‌آمیز به جای اینکه عملی تروریستی قلمداد شود، کنشی مجرمانه خواهد بود. نکته مهم دیگر در تعریف فوق از تروریسم این است که تروریست‌ها با اقدامات خویش قصد دارند جمع بزرگی از مخاطبان و نه صرفاً قربانیان مستقیم اقدامات خویش را هدف قرار دهند. در واقع، تروریست‌ها تلاش می‌کنند با رعب و وحشتی که با استفاده عامدانه یا تهدید به استفاده از خشونت در یک جامعه ایجاد می‌کنند، به اهداف سیاسی یا اجتماعی خود برسند.

به بیانی دیگر، هدف تروریست‌ها ایجاد هزینه‌های فیزیکی و روانی غیر قابل تحمل برای بازیگر طرف مقابل خود است؛ تا او را وادار کنند بین پذیرش خواسته‌های خود و تداوم انتظار تحمیل هزینه‌های بیشتر، یکی را انتخاب کند. در این راستا، همه بخش‌های یک جامعه اعم از دولتی و خصوصی و حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، نظامی و اقتصادی ممکن است مورد هدف تروریست‌ها قرار بگیرند (Sandler, 2014: 261). این کار هم تخریب اقتصادی مستقیم به دنبال خواهد داشت و هم فضای ناامنی ایجاد می‌کند که واجد پیامدهای اقتصادی قابل توجهی است. البته گروه‌های مختلف تروریستی با توجه به اهدافی که دنبال

می‌کنند، تاکتیک‌های متفاوتی ممکن است اتخاذ نمایند و این تاکتیک‌ها نیز احتمال دارد سطوح تخریبی متفاوتی در بر داشته باشند. برای نمونه، سطوح تخریبی اقدامات افراد و گروه‌های تروریستی که به صورت گزینشی اقدام به ترور یا آدم‌ربایی می‌کنند، با افراد و گروه‌هایی که از روش‌هایی مانند بمب‌گذاری و حملات انتحاری در اماکن عمومی بهره می‌برند، متفاوت است. بنابراین، اینکه افراد یا گروه‌های تروریستی چه نوع هدفی را دنبال می‌کنند و برای دستیابی به آن چه تاکتیک یا تاکتیک‌هایی را برمی‌گزینند، پیامدهای اقتصادی متفاوتی را باید انتظار داشت.

همچنین، در بحث میزان اثرگذاری حوادث تروریستی بر اقتصادهای مختلف باید تفکیک قائل شد. اقتصادهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای کوچک در حال توسعه از توانایی‌های نهادی، مالی و پولی بهتری برای محدودکردن تأثیرات اقتصادی حملات تروریستی و هضم آن برخوردارند (Sandler and Walter, 2008; Moreau, 2015; Enders and Sandler, 2006: 208-209). برای نمونه، هزینه‌های مستقیم حملات ۱۱ سپتامبر (که بین ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلار برآورد شده) را هیچ اقتصاد در حال توسعه یا توسعه‌نیافته‌ای نمی‌توانست به آسانی تحمل و جبران کند، اما در اقتصاد بزرگ و متنوع آمریکا این‌گونه هزینه‌ها چیز قابل توجهی نیست.^۱ شواهد نشان می‌دهد تأثیر تروریسم بر اقتصادهای بزرگ و توسعه‌یافته‌ای مانند آمریکا، بریتانیا و فرانسه ناچیز و زودگذر بوده است و بعد از شوک اولیه ناشی از اقدام تروریستی، متغیرهای کلان اقتصاد خیلی زود به مسیر عادی برگشته‌اند (Moreau, 2015; Enders and Sandler, 2006: 209-2010). این در حالی است که در اقتصادهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته به‌ویژه آن‌هایی که متنوع نیستند و متکی به درآمدهای ویژه‌ای هستند، اقدامات تروریستی می‌تواند آثار و پیامدهای مخرب و جدی برای کل اقتصاد و زندگی جامعه در پی داشته باشد.

برای نمونه، حملات تروریستی به ناو یو.اس.اس کول آمریکایی و کشتی نفت‌کش لیمبورگ فرانسوی در بنادر یمن در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ به میزان ۵۰ درصد از

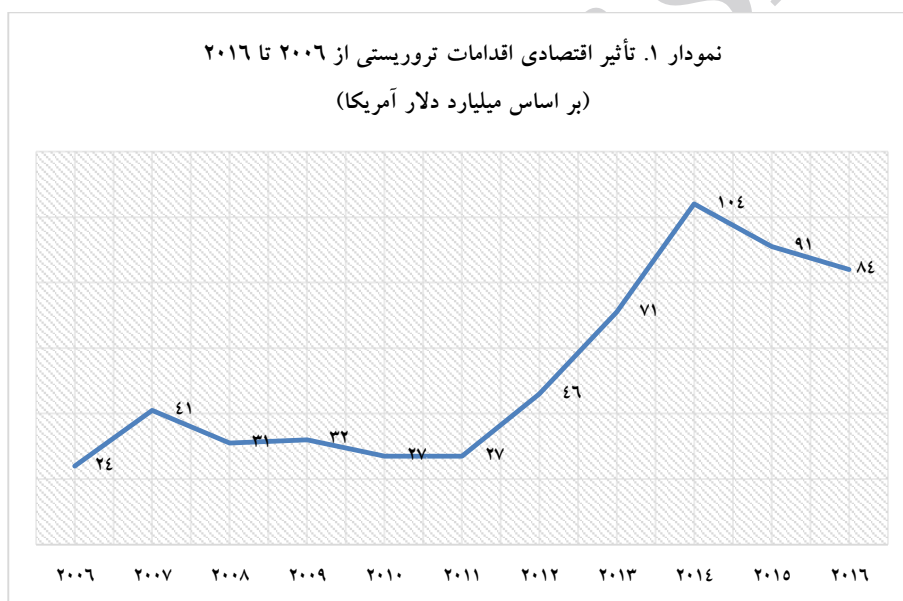
۱. البته بدون محاسبه هزینه‌های هنگفتی که آمریکا در جنگ با ترور به‌ویژه در افغانستان و عراق تحمل کرد.

فعالیت‌های بندری این کشور کاست و یمنی‌ها ماهانه ۳/۸ میلیون دلار را از دست دادند که برای اقتصاد ضعیف آن‌ها بسیار مهم بود (Enders and Sandler, 2006: 203-204). در اقتصادهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه، حملات تروریستی حتی هزینه‌های روزمره زندگی شهروندان مانند مواد خوراکی را نیز ممکن است بالا ببرد (Khatun, 2016). در مجموع، تروریسم به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به اشکال مختلف و در سطوح متفاوت پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای اقتصاد در پی دارد. محاسبه هزینه‌های مستقیم اقدامات تروریستی شاید کار دشواری نباشد، اما هزینه‌های غیرمستقیم این‌گونه اقدامات به‌سختی قابل سنجش و ارزیابی است؛ چون در کنار تروریسم، مسائل و متغیرهای دیگری نیز بر وضعیت اقتصادی تأثیر می‌گذارند و این مانع می‌شود که بتوان تأثیر حملات تروریستی را به‌صورت مجزا مورد بررسی و محاسبه دقیق قرار داد. با این حال، تلاش‌هایی بر اساس «روش مقایسه» برای محاسبه هزینه‌های غیرمستقیم تروریسم انجام شده است. برای نمونه، وضعیت قبل و بعد از حمله تروریستی در سطوح خرد و کلان اقتصاد به‌شکل مقایسه‌ای در نظر گرفته شده است. با وجود این، باز هم برخی پیامدهای تروریسم اساساً قابل اندازه‌گیری نیستند؛ مانند استرس و نگرانی که ایجاد می‌کنند و یا عزیزی را که به کام مرگ می‌فرستند (Enders and Sandler, 2006: 223).

در اینجا محاسبه مقداری خسارت‌های ناشی از تروریسم مد نظر نیست، بلکه هدف پاسخ به این سوال است که تروریسم چگونه بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد. همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، تروریسم به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد تأثیر می‌گذارد و پیامدهای آن نیز می‌تواند در کوتاه‌مدت یا بلندمدت رخ بنمایاند؛ که در ادامه با تفصیل بیشتری در این مورد بحث می‌شود.

۱. **تخریب اقتصادی مستقیم:** آشکارترین تأثیر تروریسم بر اقتصاد که قابل اندازه‌گیری است، تخریب فیزیکی است که این پدیده ایجاد می‌کند. اقدامات تروریستی ممکن است به بخش‌های مختلف اقتصادی یک جامعه از جمله نیروگاه‌ها، ماشین‌ها، سیستم‌های حمل و نقل، کارگران و دیگر منابع و دارایی‌ها خسارت وارد کند (Ross, 2016). میزان خسارت نیز به وسعت اقدام تروریستی، ارزش هدف آن و تخریبی که ایجاد می‌کند، بستگی دارد؛ هرچه

دارایی‌ها و منابع ارزشمندتر و بیشتری مورد هدف قرار گیرند و تخریب گسترده‌تری اتفاق بیفتد، هزینه‌های اقدام تروریستی بالا می‌رود و بالعکس، هرچه مقیاس تخریب و ارزش آنچه هدف قرار می‌گیرد پایین‌تر باشد، هزینه‌های اقتصادی پایین‌تر خواهد بود. حوادث ۱۱ سپتامبر تا کنون بزرگ‌ترین تخریب اقتصادی ناشی از تروریسم را در پی داشته؛ که ۸۰ تا ۹۰ میلیارد دلار برآورد شده است (Enders and Sandler, 2006: 1). بر اساس ارزیابی گزارش «شاخص تروریسم جهانی ۲۰۱۷» در سال‌های ۲۰۱۴، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ هزینه تخریب مستقیم تروریسم در جهان حدود ۲۷۹ میلیارد دلار بوده است (Global Terrorism Index 2017, 2017: 80).



Source: Global Terrorism Index 2017, 2017: 80

به هر حال، هزینه این تخریب‌ها به اقتصاد تحمیل می‌شود و این ممکن است پیامدهای زیادی در پی داشته باشد؛ به‌ویژه اگر اقدام تروریستی تخریب گسترده‌ای ایجاد کند و اقتصاد کشور محل وقوع حملات تروریستی ضعیف باشد. اگر دارایی‌ها و منابعی که هدف حمله

تروریستی قرار می‌گیرند، بیمه باشند، شرکت‌های بیمه خسارت زیادی می‌بینند و حتی ممکن است نتوانند تعهدات خود را برآورده کنند و یا هزینه‌های خدمات بیمه‌ای را افزایش دهند؛ مسئله‌ای که می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های فعالیت‌ها و بخش‌های مختلف اقتصاد شود. همچنین، ممکن است دولت‌ها مجبور شوند برای جبران خسارات حملات تروریستی هزینه‌هایی را متقبل شوند. در اقتصادهای کوچک و ضعیف، ممکن است این هزینه‌ها سنگین یا قابل توجه باشد و دولت ناچار شود بودجه برخی از بخش‌ها را تعدیل کند؛ تا بتواند این هزینه را تأمین نماید. چنین وضعیتی می‌تواند بر متغیرهای اقتصاد کلان تأثیر بگذارد و در روند آن‌ها اختلال ایجاد کند؛ که این نیز روند توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. افزایش عدم قطعیت: تأثیر تروریسم بر اقتصاد محدود به تخریب‌های فیزیکی در صحنه عملیات نیست، بلکه به صورت غیرمستقیم نیز هزینه‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند. تروریست‌ها سعی می‌کنند ترس و وحشت بلندمدت ایجاد کنند (Enders and Sandler, 2006: 208) چون موفقیت بیشتر آن‌ها در گرو ایجاد انتظار حملات آینده در افکار عمومی است (Enders and Sandler, 2006: 204) و این باعث بالارفتن سطح عدم قطعیت می‌شود. این مسئله تأثیرات جدی بر همه حوزه‌های اقتصادی دارد. در واقع، اقتصاد نسبت به عدم قطعیت بسیار حساس است و عوامل و متغیرهای سیاسی و امنیتی که عدم قطعیت را بالا می‌برند، دشمن فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. همچنین، اقدام تروریستی جامعه را در شوک و بهت فرو می‌برد و ناامنی روانی فزاینده‌ای ایجاد می‌کند؛ که در نتیجه آن، فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف (اعم از تولید، مصرف، تجارت، بازارهای مالی و پولی و...) با دشواری‌های بیشتری مواجه می‌شوند. برای نمونه، بازارهای مالی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به معنای واقعی کلمه قفل شد و تا ماه‌ها بعد از حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ نیز احیا نشد (Ross, 2016).

۳. تضعیف و افزایش هزینه تجارت: تروریسم ریسک و هزینه معاملات تجاری را بالا می‌رود و در نتیجه، سرعت و حجم تجارت کاهش پیدا می‌کند. این پدیده از سه طریق بر تجارت تأثیر منفی می‌گذارد: ۱. ناامنی ایجاد می‌کند و هزینه کسب و کار را افزایش می‌دهد. احتمال دارد این مسئله جذابیت بازار کشور مستعد حملات تروریستی را برای تولیدکنندگان

بین‌المللی کاهش دهد و یا حتی ممکن است الگوی تولید و مصرف در کشور محل وقوع حملات تروریستی دچار تغییر شود (به‌ویژه در کشورهایی که دارای صنعت گردشگری پر رونق هستند) و این بر تجارت تأثیر بگذارد؛ ۲. در پاسخ به فعالیت‌های تروریستی، اقدامات امنیتی افزایش می‌یابد. تقویت مقررات امنیتی، تجارت را گران‌تر می‌کند. برای نمونه، زمان تحویل کالاها و محموله‌های تجاری افزایش می‌یابد؛ ۳. خطر تخریب مستقیم کالاهای تجاری توسط اقدامات تروریستی وجود دارد. در واقع، وقتی کشوری نسبت به اختلال در زنجیره تأمین صنعت یا شیوه‌های حمل و نقل خاصی آسیب‌پذیر است، تروریست‌ها ممکن است تجارت آن را هدف قرار دهند (Nitsch and Schumacher, 2004: 424-5). هدف قرارگرفتن شیوه‌ها و سیستم‌های حمل و نقل و ناامن‌شدن آن‌ها، برای تجارت بسیار هزینه‌بر است.

بر اساس یک ارزیابی، که جامعه آماری آن بیش از ۲۰۰ کشور و سرزمین و بازه زمانی مورد بررسی آن ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳ است، دو برابر شدن شمار اتفاقات تروریستی منجر به کاهش حدود ۴ درصدی تجارت دوجانبه شده است (Nitsch and Schumacher, 2004). بر اساس کار پژوهشی دیگری که نمونه آن ۱۵۱ کشور و دوره زمانی آن ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ است، هر دو نوع تروریسم داخلی^۱ و بین‌المللی^۲ باعث کاهش تجارت کالاهای تولیدی می‌شوند، در حالی که بر تجارت کالاهای اولیه تأثیر قابل توجهی ندارند. در این میان نیز اثر حوادث تروریستی بین‌المللی بر تجارت کالاهای تولیدی به‌طور اساسی بیشتر از اتفاقات تروریستی داخلی است. همچنین، در بخش کالاهای تولیدی آثار تخریبی تروریسم بیشتر متوجه تولیدات نیازمند مهارت متوسط به بالاست، تا تولیدات نیازمند مهارت پایین (Bandyopadhyay et al, 2016). تروریسم می‌تواند مقدمه مشکلات بسیار بزرگ‌تری از جمله تشدید کنترل و سخت‌گیری در مرزها و تقویت انزوای اقتصادی در یک منطقه یا جهان باشد و تجارت را با مشکل مواجه کند. به هر حال، تجارت یکی از زمینه‌های اصلی همکاری و نزدیکی دولت‌ها

۱. Domestic terrorism: نوعی از تروریسم که قربانی، مجرم و مخاطبان آن داخلی هستند.

۲. International terrorism: نوعی از تروریسم که شامل مجرمان، قربانیان، نهادها، حکومت‌ها و شهروندان دیگر کشورها نیز می‌شود.

در نظام بین‌الملل است و برخی معتقدند خطر جنگ را کاهش می‌دهد و صلح بلندمدت ایجاد می‌کند. نبود یا کاهش تجارت می‌تواند میزان تنش‌ها میان دولت‌ها را افزایش دهد.

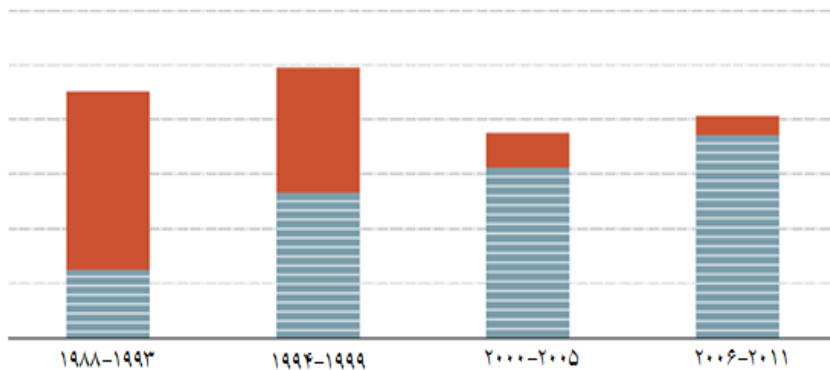
۴. کاهش سرمایه‌گذاری خارجی: حملات تروریستی ریسک فعالیت‌های اقتصادی در کشورها و بخش‌های مستعد اقدامات تروریستی را افزایش می‌دهند. این حملات حتی زمانی که خسارت مستقیم زیادی برای بازار سرمایه یک کشور ایجاد نمی‌کنند نیز تأثیرشان در مجموع ممکن است بالا باشد؛ چون، برای نمونه، ترس سرمایه‌گذار خارجی باعث انحراف سرمایه او به سمت دیگر کشورها می‌شود. این می‌تواند منجر به از دست رفتن سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای کشورهای مستعد حملات تروریستی شود (Abadie and Gardeazabal, 2008). در واقع، سرمایه‌گذار خارجی و حتی داخلی احتیاط می‌کند و کشور یا بخش اقتصادی مستعد وقوع حملات تروریستی را در اولویت سرمایه‌گذاری قرار نمی‌دهد و یا اگر در آن کشور یا بخش سرمایه‌گذاری کرده، حتی ممکن است تلاش کند سرمایه خود را به جای دیگر و یا بخش دیگری منتقل کند تا ریسک و هزینه آن کاهش یابد (چیزی که از آن به‌عنوان فرار سرمایه^۱ یاد می‌شود). به هر حال، سرمایه‌گذار فردی اقتصادی است و به فکر هزینه کمتر و کسب سود بیشتر است و بنابراین، بعید است حاضر شود در کشوری سرمایه‌گذاری کند که به دلیل بالابودن خطر اقدامات تروریستی، مجبور باشد هزینه‌های امنیتی بیشتری پرداخت کند یا ریسک بیشتری در مورد سرمایه و فعالیت اقتصادی خویش تقبل نماید؛ به‌ویژه که شرکت‌های بیمه‌گر نیز از ترس تروریسم ممکن است سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی او را پوشش ندهند و یا هزینه‌های بیشتری به‌عنوان حق بیمه طلب کنند.

بر اساس یک گزارش پژوهشی، میان حملات تروریستی و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور کلمبیا رابطه مستقیمی وجود داشته است؛ به‌گونه‌ای که میزان بالای حملات تروریستی در این کشور باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش حوادث تروریستی منجر به افزایش معنادار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن شده است (Subhayu and Younas, 2014).

1. Capital flight

نمودار ۲. رابطه میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تروریسم در کلمبیا

■ سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی ■ رویدادهای تروریستی



Source: Subhayu and Younas, 2014

بر اساس ارزیابی دیگری، تروریسم در سال ۲۰۱۰ باعث کاهش نزدیک به ۳۰ درصدی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نیجریه شده است (Myers, 2015). در پاکستان و کنیا نیز طبق تحقیقاتی که صورت گرفته است، بین افزایش اقدامات تروریستی و کاهش سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط مثبتی وجود داشته است (Shahbaz et al, 2013; Kinyanjui, 2014). همچنین، بر اساس پژوهشی که درباره تأثیر تروریسم بر سرمایه‌گذاری خارجی در اسپانیا و یونان در بازه زمانی نیمه دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱ انجام گرفته است، رابطه قوی بین دو متغیر پژوهش اثبات شده است. بر اساس یافته‌های این تحقیق، در دوره زمانی مذکور، سرمایه‌گذاری خالص سالانه مستقیم خارجی^۱ در ایتالیا ۱۳/۵ درصد و در یونان ۱۱/۹ درصد کاهش داشته است. این به ترتیب باعث کاهش ۷/۶ و ۳۴/۸ درصدی شکل‌گیری سرمایه ثابت ناخالص سالانه^۲ در ایتالیا و یونان شده است. این یعنی اینکه تروریسم تأثیر منفی بزرگی بر شکل‌گیری سرمایه و در نتیجه، ظرفیت رشد اقتصادی این دو کشور داشته است (Enders and Sandler, 1996). در کشورهای در حال توسعه که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مهمی در رشد

1. Net annual foreign direct investment
2. Annual gross fixed capital

اقتصادی دارد، اگر تروریسم جریان سرمایه‌گذاری مستقیم به این کشورها را کاهش دهد، رشد و توسعه‌شان با مانع مهمی مواجه می‌شود (Bandyopadhyay et al, 2014).

همچنین، در فعالیت‌ها و بخش‌های اقتصادی که مستعد مواجه‌شدن با خشونت‌های تروریستی هستند، به دلیل ترس از آینده، ریسک سرمایه‌گذاری بالا می‌رود. در اقتصادهای کوچک و توسعه‌نیافته که اقتصاد متنوع نیست، اگر بخش اصلی درآمدزای اقتصاد با تهدیدات تروریستی مواجه شود و ریسک سرمایه‌گذاری در آن بالا برود، وضعیت دشواری برای کل اقتصاد شکل می‌گیرد و همه بخش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی ممکن است تحت تأثیر قرار بگیرند.

۵. خسارت به صنعت گردشگری: سهم صنعت سفر و گردشگری از تولید ناخالص جهانی در سال ۲۰۱۶، ۲/۳ تریلیون دلار به‌طور مستقیم و در مجموع ۷/۶ تریلیون دلار بوده است (یعنی ۱۰/۲ از کل تولید ناخالص جهان). همچنین، بیش از ۱۰۸ میلیون نفر به‌شکل مستقیم و در کل بیش از ۲۹۲ میلیون نفر در شغل‌های مرتبط با این صنعت فعال بوده‌اند (معادل ۹/۶ درصد از کل شاغلین جهان) (World Travel & Tourism Council, 2017: 7). تروریسم یکی از دشمنان اصلی این صنعت بسیار مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی است. تروریست‌ها در بسیاری از موارد برای اینکه توجه بین‌المللی را به اقدامات و خواسته‌های خویش جلب کنند، گردشگران را هدف قرار می‌دهند (Bandyopadhyay, 2016). امروزه گردشگران وقتی در مورد مکان مناسب برای گذراندن تعطیلات خود تصمیم می‌گیرند، علاوه بر توجه به نرخ ارز، هزینه‌ها، مناظر، وضعیت آب و هوا و امکانات دیگر، خطر تروریسم را هم در نظر می‌گیرند (Enders and Sandler, 2006: 12). به هر حال، تجربه نشان می‌دهد در مکان‌ها یا کشورهایی که اقدام تروریستی صورت می‌گیرد، تعداد گردشگر کاهش می‌یابد و در نتیجه درآمدهای صنعت گردشگری آنجا نیز افول پیدا می‌کند (Enders et al, 1992).

برای نمونه، بر اساس یک ارزیابی، اقدامات تروریستی در اتریش، ایتالیا، یونان و کل قاره اروپا به ترتیب باعث از دست رفتن ۶، ۴۰/۷، ۶، ۲۳/۴ و ۲۹/۶ درآمدهای گردشگری آن‌ها در سال ۱۹۸۸ شده است (Enders et al, 1992: 551). همچنین، بر اساس ارزیابی دیگری، اقدامات تروریستی باعث کاهش حدود ۵۷ میلیون دلاری درآمدهای گردشگری آمریکا بین

سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ شده است (Sloboda, 2003: 187). حملات تروریستی در یک کشور، حتی می‌تواند بر گردشگری کل منطقه‌ای که آن کشور در آن قرار دارد نیز تأثیر بگذارد (Enders, 1992: 551). البته این لزوماً به معنای کاهش سطح و درآمد صنعت گردشگری در جهان نیست. صنعت سفر و گردشگری انعطاف بالایی دارد و همچنان به عنوان یکی از بخش‌های پیشرو در اقتصاد جهانی باقی می‌ماند. اما در مناطق و کشورهایی که اقدامات تروریستی صورت می‌گیرد و یا احتمال وقوع حملات تروریستی بالاست، این صنعت دچار ضعف و رکود بیشتری می‌شود. برای نمونه، به دنبال رویدادهای تروریستی فرانسه در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ صنعت گردشگری این کشور که نقش بسیار مهمی در اقتصاد آن دارد، به ویژه در پاریس که محل وقوع بیشتر این حملات تروریستی بود، دچار خسارت قابل توجهی شد (The Local, 2017; Hosie, 2017).

کشورهایی که وابستگی زیادی به صنعت گردشگری دارند و اقتصاد توسعه یافته‌ای نیز ندارند، از تروریسم تأثیر بسیار زیادتری می‌پذیرند.

۶. امنیتی شدن فضا و افزایش مخارج نظامی و امنیتی: اقدامات تروریستی فضا را امنیتی می‌کند. فضای امنیتی در نقطه مقابل فضای عادی است. وقتی فضای جامعه‌ای امنیتی می‌شود، به این معناست که شرایط عادی نیست. در فضای امنیتی، اقدامات بیشتر معطوف به مقابله با تهدید یا تهدیدات و حفظ بقاست. بنابراین، دستورکارهای امنیتی مسائل اقتصادی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند. چنین شرایطی قسمتی از مخارج حکومتی را از سرمایه‌گذاری‌های سازنده و تولیدی به سمت فعالیت‌های امنیتی غیرمولد سوق دهد (Bandyopadhyay, 2016). در واقع، اقدامات تروریستی باعث می‌شود دولت و بخش خصوصی هزینه‌های بیشتری صرف تأمین، حفظ و ارتقا امنیت کنند. در نتیجه، بخش بیشتری از ثروت کشور صرف اقدامات امنیتی و نظامی‌گری می‌شود؛ که به لحاظ اقتصادی ثروت ایجاد نمی‌کنند و استانداردهای زندگی شهروندان را ارتقاء نمی‌دهند. این برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه بسیار هزینه‌زاست؛ چون دولت برای مقابله با تروریسم و تأمین امنیت ناچار می‌شود بخشی از بودجه‌های ناچیز حوزه‌های دیگر مانند بهداشت،

۱. صنعت گردشگری سهمی بیش از ۸ درصد در تولید ناخالص داخلی فرانسه دارد.

آموزش و پرورش، حمایت‌های اجتماعی، تحقیق و توسعه، زیرساخت‌ها و... را کاهش دهد، تا نیروهای امنیتی، نظارتی و پلیسی را تقویت کند (Khatun, 2016).

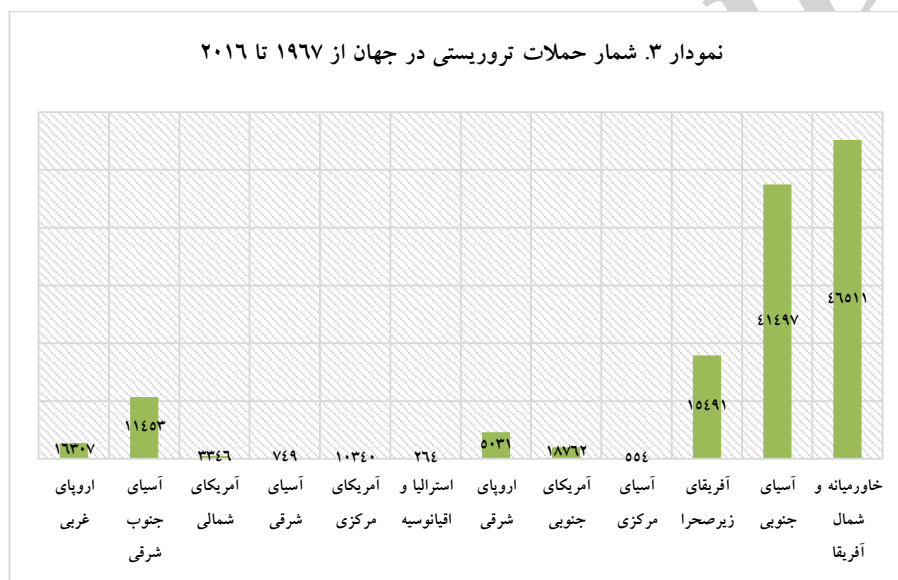
شکل ۱. چگونگی تأثیرگذاری تروریسم بر اقتصاد



آنچه در بالا گفته شد، چارچوبی تحلیلی بر اساس تجارب و الگوهای موجود است و در آن تلاش شده با توجه به تجربیات و شواهد، چرایی و چگونگی تأثیرگذاری تروریسم بر اقتصاد و پیامدهای آن از منظری کلی و کلان مورد بررسی قرار گیرد. با این حال، نگارنده منکر خاص‌بودگی برخی اثرات و پیامدهای هر حمله تروریستی با توجه به ویژگی‌ها و محل هدف آن نیست.

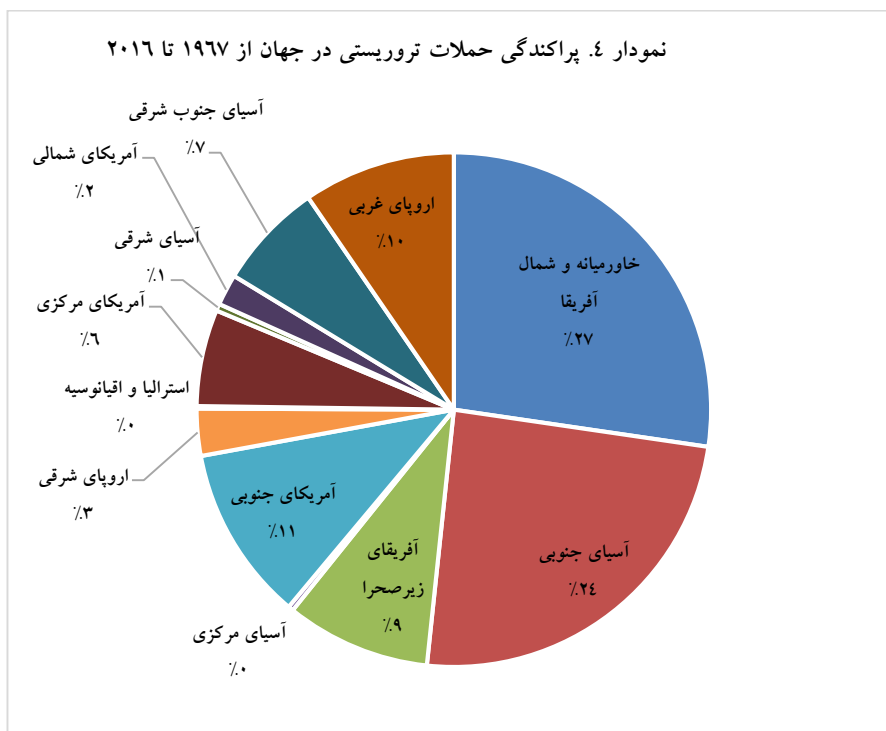
ب. تروریسم در غرب آسیا و پیامدهای اقتصادی آن

اگر طبقه‌بندی دیوید راپوپورت از امواج تروریسم^۱ را مبنا قرار دهیم، موج چهارم این پدیده یعنی تروریسم مذهبی عمدتاً با افراط‌گرایان و بنیادگرایان در دنیای اسلام شناخته می‌شود؛ که ظهور و بروز اقدامات تروریستی آن‌ها نیز بیشتر در غرب آسیا و دو مجموعه امنیتی کناری آن یعنی شمال آفریقا و آسیای جنوبی بوده است. آمارهای موجود درباره شمار و پراکندگی حملات تروریستی در جهان از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۶ شاهدهی بر این مسئله است.



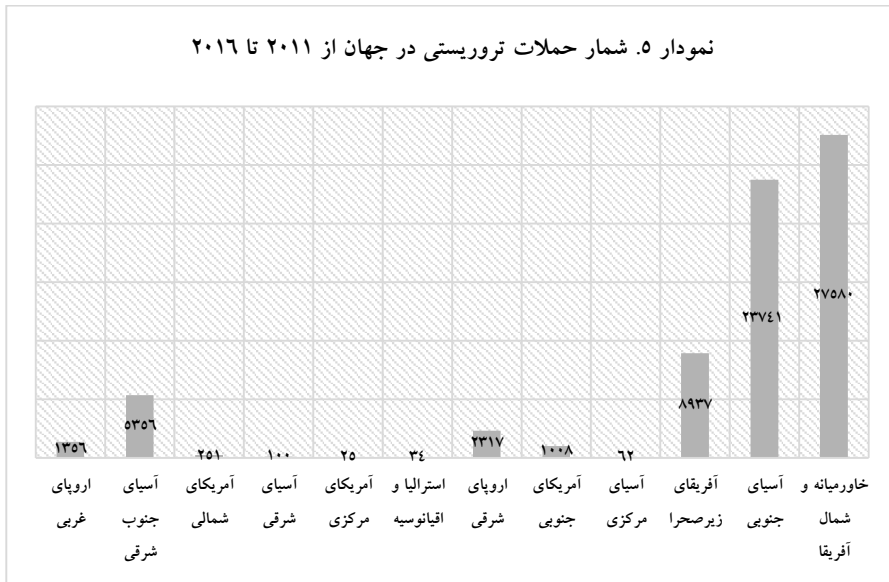
Source: Cordesman, 2017: 16

۱. وی از منظری تاریخی چهار موج تروریسم را شناسایی کرده است که عبارتند از: آنارشستی (قرن نوزدهم)، ضداستعماری (از ۱۹۲۰ تا چل سال بعد)، چپ جدید (بعد از حمله آمریکا به ویتنام) و مذهبی (از دهه ۱۹۸۰ به بعد) (پورسعید، ۱۳۸۵).

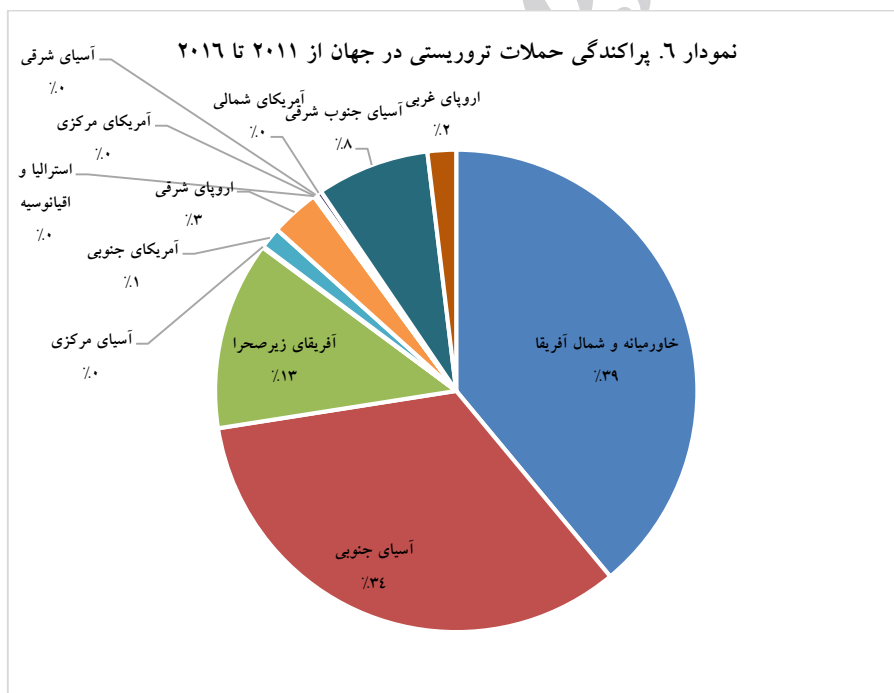


Source: Cordesman, 2017: 16

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در بازه زمانی ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۶ بیش از ۵۰ درصد حملات تروریستی در سطح جهان در غرب آسیا و شمال آفریقا و آسیای جنوبی اتفاق افتاده است. در چند سال اخیر به‌ویژه بعد از اوج‌گیری تفکرات تروریستی - تکفیری در غرب آسیا به‌دنبال تحولات عربی که با عناوینی همچون «بیداری اسلامی» و «بهار عربی» شناخته می‌شود، سهم این مناطق از حملات تروریستی جهان به ۷۳ درصد رسیده است.



Source: Cordesman, 2017: 27



Source: Cordesman, 2017: 27

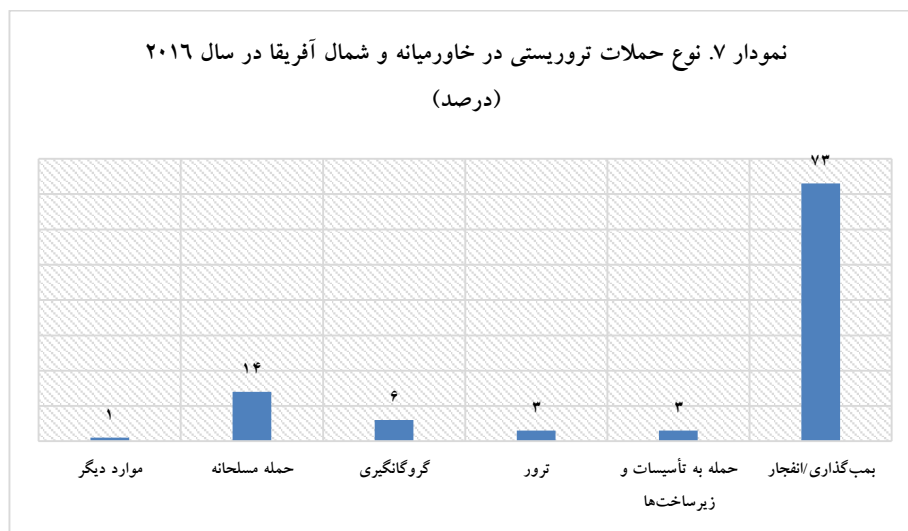
البته بسیاری از حملات تروریستی در آفریقای زیرصحرای و آسیای شرقی و جنوب شرقی نیز کار کسانی است که جزئی از شبکه بزرگ گروه‌های افراط‌گرا و تروریستی ریشه‌دار در غرب آسیا هستند. علاوه بر این، بسیاری از حملات تروریستی که در سه دهه اخیر در غرب رخ داده، به همین گروه‌ها مربوط است. بنابراین، غرب آسیا به قطب اصلی تروریسم موج چهارم و مرکز جهت‌دهی فکری و عملیاتی بسیاری از حوادث تروریستی در مناطق پیرامون و جهان تبدیل شده است. با شکل‌گیری گروه‌هایی مانند داعش، غرب آسیا به مرکز جذب افراط‌گرایان مذهبی معتقد به اقدامات تروریستی از سراسر جهان نیز تبدیل شد. به هر حال، بی‌ثباتی‌های فزاینده در غرب آسیا که ناشی از مسائلی همچون رقابت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، رشد اندیشه‌های فرقه‌گرایانه و تکفیری و ناکارآمدی و ورشکستگی دولت‌هاست، منجر به جولان تفکرات و گروه‌های تروریستی در این منطقه شده؛ که تأثیرات بسیار مخربی بر وضعیت کشورهای مختلف منطقه در حوزه‌های مختلف گذاشته است.

بررسی و سنجش دقیق پیامدهای این پدیده مخرب بر اقتصاد کشورهای غرب آسیا کار بسیار دشواری است؛ چون: ۱. هنوز دسترسی به بسیاری از مناطق آسیب‌دیده دشوار است و برآورد دقیقی از کل خسارت‌های ناشی از تروریسم به‌ویژه در عراق و سوریه ارائه نشده است؛ ۲. عوامل و متغیرهای مختلفی از جمله وابستگی به نفت و ناکارآمدی دولت‌ها و نهادهای اقتصادی و ریسک‌های ژئوپلیتیکی متعدد دیگر مانند جنگ‌های داخلی، تنش‌ها سیاسی و رقابت‌های نظامی - تسلیحاتی نیز بر روند و مسائل اقتصادی این منطقه تأثیر می‌گذارند. در واقع، تروریسم تنها یکی از ریسک‌های ژئوپلیتیکی موجود در غرب آسیا است که بر وضعیت اقتصادی این منطقه اثر می‌گذارد. البته باید این نکته را در نظر داشت که ریسک‌های ژئوپلیتیکی مختلف در غرب آسیا عمدتاً در پیوند با هم عمل می‌کنند. برای نمونه، عنصر یا متغیر تروریسم در این منطقه مستقل از ریسک‌های دیگر از جمله جنگ‌ها و بی‌ثباتی‌های داخلی، مداخله‌های بازیگران بیرونی، تنش‌های سیاسی و رقابت‌های نظامی - تسلیحاتی قابل شناخت و تحلیل نیست. بر اساس «شاخص تروریسم جهانی ۲۰۱۵» موسسه اقتصاد و صلح، ۹۲ درصد تمامی حملات تروریستی بین ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۴ در کشورهایی که خشونت سیاسی

توسط حکومت گسترش یافته است، رخ داده‌اند و ۸۸ درصد حملات تروریستی در بازه زمانی فوق در کشورهایی به‌وقوع پیوسته که در درگیری‌های خشونت‌آمیز به سر می‌برده‌اند (Friedman, 2016).

بنابراین، تروریسم پدیده‌ای جدای از بافت و شرایط منطقه نیست. در چنین شرایطی، ممکن است بتوان تخریب‌های مستقیم اقتصادی ناشی از تروریسم را در منطقه محاسبه کرد، اما سنجش پیامدهای غیرمستقیم و ثانویه آن کار بسیار دشواری است. درباره پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت این پدیده بیشتر می‌توان بحث کرد.

۱. غرب آسیا و حملات تروریستی با سطح تخریب بالا: یکی از ویژگی‌های مهم حملات تروریستی در موج چهارم تروریسم، تخریب مستقیم گسترده‌ای است که ایجاد می‌کنند. در واقع، نوع حملات تروریستی در این موج بسیار مخرب‌تر از امواج گذشته است و سطح تخریبی که ایجاد می‌کنند، بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر است. بر اساس «شاخص جهانی تروریسم ۲۰۱۷» در سال ۲۰۱۶، ۵۴ درصد از حملات تروریستی به‌شکل بمب‌گذاری و انفجار، ۱۸ درصد به‌صورت حمله مسلحانه و ۶ درصد نیز در قالب حمله به تأسیسات و زیرساخت‌ها بوده است؛ یعنی مجموعاً ۷۸ درصد از اقدامات تروریستی در سطح جهان از نوع حملات با سطح تخریب بالا بوده است (Global Terrorism Index 2017, 2017: 19). بر اساس آمارهای جمع‌آوری شده توسط پروژه‌ای در دانشگاه مریلند، ۸۷ درصد از حملات تروریستی در غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۶ از سه نوع فوق بوده است (START Background Report, 2017: 4).



Source: START Background Report, 2017: 4

در واقع، بسیاری از حملات تروریستی با سطح تخریب گسترده در جهان، در غرب آسیا و شمال آفریقا رخ داده‌اند. یازده مورد از بیست مورد کشته‌ترین و پرتلفات‌ترین حملات تروریستی در جهان در سال ۲۰۱۶ در عراق و یک مورد نیز در سوریه اتفاق افتاده است (Global Terrorism Index 2017, 2017: 12-13). این تنها مربوط به سال ۲۰۱۶ نیست، بلکه در حدود دو دهه گذشته به‌ویژه در چند سال اخیر (در پی تحولات انقلابی عربی موسوم به بیداری اسلامی یا بهار عربی) غرب آسیا و شمال آفریقا محل اصلی وقوع این نوع حملات بوده است. همان‌گونه که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، از سال ۲۰۱۲ به بعد هزینه‌های اقتصادی تروریسم رشد سریع و بالایی را تجربه کرده و در ۲۰۱۴ یعنی سال خیزش داعش در عراق و سوریه و سپس لیبی به اوج خود رسیده است. از ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ حملات تروریستی در سطح جهان در مجموع ۳۹۶ میلیارد دلار هزینه اقتصادی وارد آورده است (Global Terrorism Index 2017, 2017: 80)، که بخش عمده‌ای از این هزینه به سه کشور عراق، سوریه و لیبی تحمیل شده است. هزینه‌ای که تروریسم بر اقتصاد کشورهای عراق، سوریه، یمن و لیبی در سال ۲۰۱۶ وارد کرده است، به ترتیب معادل ۱۷/۳، ۸/۳، ۷/۳ و ۵/۷ درصد تولید ناخالص داخلی آن‌ها بوده است (Global Terrorism Index 2017, 2017: 81).

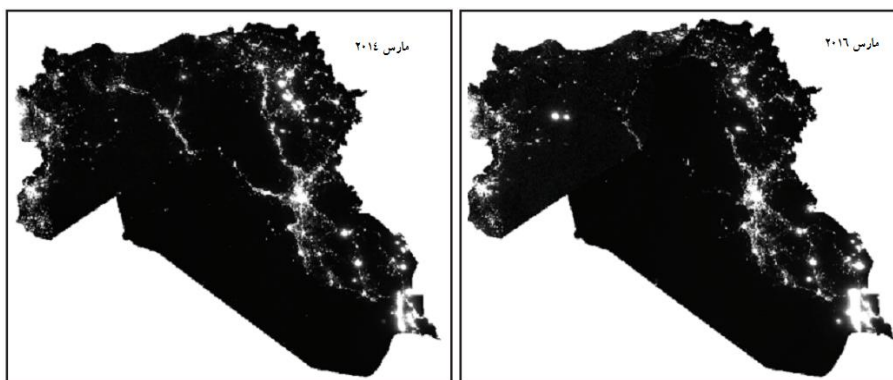
بر اساس برآوردی از بانک جهانی، پنج سال جنگ در سوریه هزینه‌ای نزدیک به ۳۵ میلیارد دلار (دلار به قیمت ۲۰۰۷) در پی داشته است؛ یعنی معادل تولید ناخالص داخلی سوریه در سال ۲۰۰۷ (The World Bank, February 3, 2016). این بانک در بررسی دیگری می‌گوید که بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ تولید ناخالص داخلی سوریه ۶۳ درصد کوچک‌تر شده است (کاهش ۹۳ درصدی تولید ناخالص نفتی و ۵۲ درصدی تولید ناخالص غیرنفتی). همچنین، هزینه انباشته جنگ در سوریه در تولید ناخالص داخلی این کشور بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ را ۲۲۶ میلیارد دلار (به قیمت ۲۰۱۰) یعنی چهار برابر تولید ناخالص داخلی سوریه در ۲۰۱۰ تخمین زده است (The World Bank Group, 2017: vii). ارزیابی مرکز تحقیقات سیاسی سوریه نیز نشان می‌دهد بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ جنگ در سوریه ۷۲ میلیارد دلار به سهام سرمایه^۱ در این کشور خسارت وارد کرده است. همچنین، استفان دمستورا، نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه گفته است که بازسازی سوریه به ۲۵۰ میلیارد دلار نیاز دارد (Sengupta, 2017). بر مبنای برآوردی، احیای زیرساخت‌های نیز لیبی طی ده سال آینده نیاز به ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه دارد (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 10).

به هر حال، تأسیسات و زیرساخت‌های بسیاری از شهرهای سوریه، عراق و لیبی در جریان حملات گروه‌های تروریستی و اقداماتی که در مقابله با آنها صورت گرفت، ویران شده و بازسازی آنها نیاز به میلیاردها دلار سرمایه دارد. همچنین، بخش وسیعی از کشاورزی عراق و سوریه در درگیری‌های میان گروه‌های تروریستی و نیز جنگ بین دولت‌ها با این گروه‌ها آسیب جدی دید. عدم دسترسی کشاورزان تحت کنترل داعش به امکانات کشاورزی نیز خسارات زیادی به مزارع و محصولات آنها وارد کرده است (Robinson et al, 2017: 15-17). تصویر زیر که در شب و از طریق ماهواره گرفته شده، نشان می‌دهد برق مناطق تحت کنترل داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه در مارس ۲۰۱۶ نسبت به مارس ۲۰۱۴ (یعنی اوایل دورانی که این مناطق توسط گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش اشغال شد) افول

1. Capital stock

شدیدی داشته است. این تصویر گویای بسیاری از خسارت‌هایی است که گروه‌های تروریستی در چند سال گذشته به مناطق وسیعی از عراق و سوریه وارد کرده‌اند.

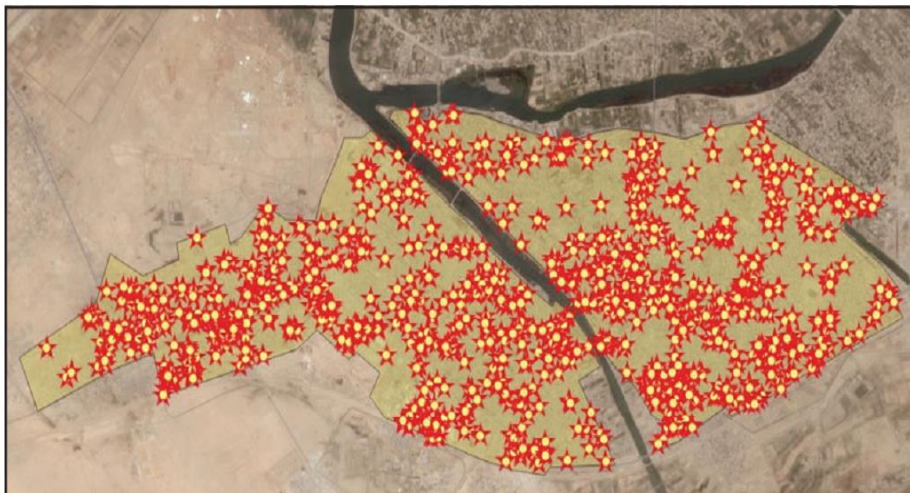
تصویر ۱. مقایسه وضعیت برق عراق و سوریه در مارس ۲۰۱۴ و مارس ۲۰۱۶



Source: Robinson et al, 2017: 30

گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش در زمان اوج قدرت خود بیش از ۱۶۷ شهر با حداقل جمعیت ۱۰ هزار نفری را در عراق و سوریه تحت کنترل داشته‌اند و یا بر سر آن‌ها مبارزه می‌کرده‌اند (Robinson et al, 2017: 30). همچنین، صدها روستا در این دو کشور تحت اشغال و درگیری این گروه‌ها بوده است. در جریان تصرف این شهرها و روستاها و درگیری‌های میان گروه‌های تروریستی برای تسلط بر آن‌ها و به‌خصوص در مرحله نبرد بر سر آزادسازی این مناطق توسط نیروهای مختلف، ویرانی‌های گسترده‌ای رقم خورده است. برای نمونه، تصویر ۲ نشان می‌دهد در جریان تسلط داعش بر شهر الرمادی عراق و درگیری‌های میان این گروه و نیروهای عراقی و حامیان آن‌ها، بخش گسترده‌ای از این شهر ویران شده است.

تصویر ۲. تخریب الرمادی در جریان درگیری‌های میان داعش و نیروهای ضد داعش برای تسلط بر آن



Source: Robinson et al, 2017: 140

علاوه بر سوریه، عراق، لیبی و یمن، کشورهایی مانند ترکیه نیز در معرض اقدامات تروریستی گسترده‌ای بوده‌اند و زیان‌های زیادی از این پدیده دیده‌اند. بر اساس یک برآورد، شرق و جنوب شرق آناتولی که بسیار بیش‌تر از دیگر مناطق ترکیه در معرض حملات تروریستی گروه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) بوده است، نسبت به مناطق دیگر این کشور وضعیت عقب‌مانده‌تری در حوزه‌های مختلف دارد (Bilgel and Karahasan, 2015). همچنین، وزیر مالیه ترکیه در سال ۲۰۱۵ گفته است که در ۳۰ تا ۴۰ سال اخیر تروریسم ۳۵۰ میلیارد دلار هزینه مستقیم و یک تریلیون دلار هزینه غیرمستقیم برای ترکیه در بر داشته است (Komurculer, 2 September 2015). شاخص صلح جهانی ۲۰۱۷ موسسه اقتصاد و صلح نیز هزینه خشونت‌ها در ترکیه در سال ۲۰۱۶ را بر حسب برابری قدرت خرید، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار عنوان کرده است (GPI, 2017: 128). در واقع، ترکیه که در چند دهه گذشته با اقدامات تروریستی پ.ک.ک مواجه بوده، در سال‌های اخیر از سوی داعش نیز مورد حملات تروریستی قابل توجهی قرار گرفته است. کشور مصر هم بعد از کودتای نظامیان و سرنگونی

حکومت محمد مرسی، تا کنون با خشونت‌های تروریستی زیادی مواجه بوده است و تروریسم هزینه‌های قابل توجهی به این کشور وارد کرده است.

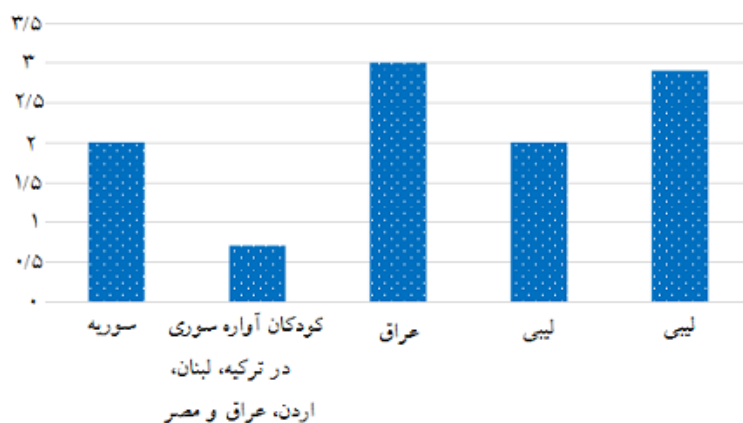
۲. آسیب گسترده تروریسم به نیروی انسانی در غرب آسیا: تروریسم در غرب آسیا باعث تلفات گسترده و آوارگی میلیون‌ها انسان شده است. در سوریه تا کنون بیش از ۳۴۰ هزار نفر کشته شده، صدها هزار نفر زخمی و بیش از ۱۱ میلیون نفر آواره گشته‌اند که بیش از ۵ میلیون نفر از آن‌ها به کشورهای خارجی پناه برده‌اند (Aljazeera, 30 Mar 2017). در عراق نیز تروریسم تا کنون جان ده‌ها هزار نفر را گرفته، ده‌ها هزار زخمی برجای گذاشته و بیش از ۵ میلیون نفر را آواره کرده است (International Organization for Migration, 2017; BBC News, 2017). بخش قابل توجهی از این جمعیت به‌ویژه در سوریه، به‌لحاظ اقتصادی فعال و از قشرهای متخصص و حرفه‌ای جامعه بوده و این برای سرمایه انسانی این کشورها در حد یک فاجعه است و خسارت ناشی از آن چیزی نیست که به آسانی قابل جبران باشد. آوارگان برای کشورهای همسایه نیز مشکلات اقتصادی زیادی پدید آورده‌اند. بر اساس برآورد بانک جهانی، هجوم بیش از ۶۳۰ هزار پناهجوی سوری هزینه‌ای برابر با ۲/۵ میلیارد دلار برای اردن داشته؛ که معادل ۶ درصد تولید ناخالص داخلی و یک پنجم درآمدهای سالانه حکومت این کشور است. این وضعیت باعث رشد سریع بدهی حکومت شده؛ که بر اساس ارزیابی‌ها، به ۹۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی آن رسیده است (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 16).

آوارگان سوری که به لبنان پناه آورده‌اند معادل یک چهارم جمعیت این کشور هستند. در لبنان، در پی هجوم پناهندگان سوری، به بخش‌های اصلی محرکه رشد در این کشور شامل گردشگری، املاک و ساخت و ساز ضربه شدیدی وارد شد. ناامنی و عدم قطعیت ناشی از هجوم پناهندگان باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در اردن و لبنان شده است (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 4). بر اثر فشار پناهجویان، ارزیابی بانک جهانی این است که بین ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ سالانه تولید ناخالص داخلی لبنان ۲/۹ درصد کاهش داشته است که در نتیجه آن، بیش از ۱۷۰ هزار لبنانی فقیر شده و نرخ بیکاری در این کشور به بیش از ۲۰ درصد رسیده است (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 4).

Region, 2016: 10). خود آوارگان و پناهجویان نیز وضعیت مناسبی ندارند. بیکاری در میان آنها بسیار بالاست و آنهایی که کار می‌کنند نیز بیشتر در فعالیتهای غیررسمی و با حقوق و مزایای اندک مشغول هستند. برای نمونه، طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۹۲ درصد از سوری‌های پناهجویی که در لبنان هستند قرارداد کاری ندارند و بیش از نیمی از آنها در فعالیتهای روزانه، هفتگی و فصلی با حقوق بسیار پایین اشتغال دارند. سازمان بهداشت جهانی می‌گوید که پناهجویان سوری بسیار فقیر هستند؛ توانایی تأمین نیازهای دارویی خود را ندارند؛ بسیاری از آنها وسایل گرمایشی کافی ندارند؛ و تعداد زیادی در جان‌پناه‌های نامناسب زندگی می‌کنند (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 18).

تعداد بسیار زیادی از کودکان آواره به مدرسه دسترسی ندارند. بر اساس ارزیابی بانک جهانی در سال ۲۰۱۶، ۱۳ میلیون کودک سوری، عراقی، لیبیایی و یمنی از آموزش برخوردار نیستند (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 13). در ۲۰۱۵-۲۰۱۴ بیش از نیمی (۵۰/۸ درصد) از کودکان در سن تحصیل در سوریه از مدرسه بازمانده‌اند (The World Bank, February 3, 2016). این عمدتاً ناشی از خشونت و درگیری در این کشورهاست که بخشی از آن مربوط به اقدامات و تهدیدات گروه‌های تروریستی است.

نمودار ۸. کودکان محروم از آموزش در چند کشور بی‌ثبات و ناامن غرب آسیا (میلیون نفر)

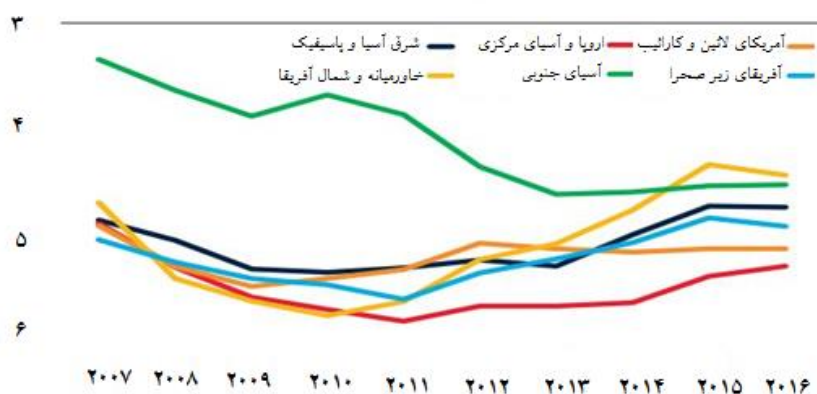


Source: World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 13

بر اساس ارزیابی‌ها، بیش از ۴۵ میلیون یمنی، سوری، عراقی و لیبیایی نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 12-13). وضعیت بد آوارگان و پناهجویان نه تنها هزینه‌های انسانی و اقتصادی زیادی برای کشورهای منطقه دارد، بلکه باعث نوعی از هم‌گسیختگی فرهنگی و اجتماعی در چند کشور منطقه شده و می‌تواند به خشونت بیشتر یا تداوم چرخه خشونت منجر شود؛ چون امکان رادیکال‌شدن آن‌ها و پیوستن‌شان به گروه‌های تروریستی به دلایل مختلف از جمله به قصد انتقام‌گیری یا کسب حمایت اقتصادی را افزایش می‌دهد. هرچند همه این مشکلات و مسائل را نمی‌توان به متغیر تروریسم نسبت داد، اما به هر حال تروریسم یکی از مهم‌ترین منابع خشونت، درگیری و بی‌ثباتی در منطقه بوده و در این مورد نقش برجسته‌ای ایفا کرده است.

۳. هزینه‌های غیرمستقیم تروریسم در غرب آسیا: پیامدها و هزینه‌های غیرمستقیم تروریسم بر اقتصاد کشورهای غرب آسیا بسیار گسترده‌تر از هزینه‌های مستقیمی است که این پدیده بر منطقه تحمیل کرده است. بر اساس گزارشی از بانک جهانی، هزینه‌های تروریسم برای کسب و کار در غرب آسیا و شمال آفریقا بیش از دیگر مناطق نوظهور و در حال توسعه است. این هزینه‌ها از ۲۰۱۱ یعنی از زمان شروع موج کم‌سابقه بی‌ثباتی‌ها در منطقه به دنبال تحولات برخی از کشورهای عربی و رشد بی‌سابقه تروریسم و گروه‌ها و فعالیت‌های تروریستی به سرعت افزایش یافته است (World Bank Group, 2017: 136-137).

نمودار ۹. هزینه‌های تروریسم برای کسب و کار در مناطق مختلف (۱ بالاترین و ۷ پایین‌ترین)



Source: World Bank Group, 2017: 136

به هر حال، تروریسم عدم قطعیت را افزایش می‌دهد و فضا را امنیتی می‌کند؛ که در نتیجه آن، کسب و کار از رونق می‌افتد. در برخی از کشورهای غرب آسیا، تروریسم فضاهای کسب و کار را نیز نابود می‌کند؛ یعنی نه تنها عدم قطعیت را افزایش می‌دهد، بلکه گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش بر مناطقی مسلط شده و در راستای اهداف خود و متناسب با نیازهای خویش، در فضای کسب و کار آن مناطق دستکاری کرده و باعث تخریب‌های گسترده‌ای شده‌اند.

جریان سرمایه‌گذاری خارجی به غرب آسیا نیز از ۲۰۱۲ به بعد رو به کاهش بوده است. در حالی که در ۲۰۱۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در غرب آسیا و شمال آفریقا معادل ۲۲/۷ میلیارد دلار بوده است، این رقم در ۲۰۱۳ به ۱۸ و در ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ترتیب به ۱۵/۶ و ۱۴/۴ میلیارد دلار کاهش یافته است (International Debt Statistics, 2017: 14). در منطقه‌ای پر از خشونت و آشفتگی که تروریست‌ها در آن جولان می‌دهند، نباید انتظار داشت سرمایه‌گذار خارجی ریسک کند و سرمایه خود را در آن منطقه به جریان بیندازد؛ این به‌ویژه در کشورهایی که درگیر بی‌ثباتی هستند و گروه‌های تروریستی بازیگرانی تأثیرگذار در آن‌ها به حساب می‌آیند صادق‌تر است، اما به هر حال نمی‌توان انکار کرد که وقتی در منطقه‌ای چند کشور محل جولان تروریست‌ها باشند، ریسک سرمایه‌گذاری در کل آن منطقه بالا می‌رود. البته در کشورهای دارای ذخایر نفتی و گازی تا حدودی بحث متفاوت است و شرکت‌های مرتبط با اکتشاف، استخراج و انتقال این منابع، به دلیل سود هنگفتی که از فعالیت در این بخش‌ها می‌برند، با کسب امتیازات و تسهیلات بسیار خوب، سرمایه‌گذاری کرده و سودهای کلانی را نصیب خویش می‌کنند. با توجه به نیازی که بازار جهانی به این منابع دارد، این سرمایه‌گذاری در واقع برای افزایش ثروت و رفاه مردم منطقه نیست، بلکه عمدتاً در راستای تأمین امنیت انرژی و رونق تولید و افزایش ثروت و رفاه در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته است.

تروریسم هزینه‌های تجارت در غرب آسیا را نیز افزایش داده است. این پدیده هم فضای ناامنی ایجاد کرده است که تجارت را دشوار نموده و هم فضای امنیتی شدیدی در منطقه ایجاد کرده که در اثر آن هزینه تجارت بسیار بالاست. به هر حال، تأمین امنیت تجارت در منطقه

غرب آسیا به هزینه‌های زیادی نیاز دارد و حساسیت دولت‌ها در کنترل شرایط امنیتی به‌ویژه در مرزهای خویش، تجارت را گران‌تر کرده است. البته با توجه به نیاز بازار جهانی به نفت منطقه، فرآیند صادرات کشورهای نفتی غرب آسیا در هر شرایطی ادامه خواهد داشت. صادرات غیرنفتی کشورهای این منطقه نیز چیز زیادی نیست و تقریباً برابر با صادرات کشور سوئیس است (Hoekman, 2016: 1). در واقع، اگر نفت و فرآورده‌های نفتی را از صادرات و تسلیحات را از واردات کشورهای غرب آسیا کنار بگذاریم، سطح و میزان تجارت در این منطقه ناچیز است. هرچند این مسئله دلایل زیادی دارد، اما متغیر تروریسم و فضای امنیتی که این پدیده در منطقه ایجاد کرده است، در این مورد تأثیرگذار است. تروریسم همچنین باعث افزایش توجه دولت‌ها به توانایی‌های امنیتی و نظامی خویش و کم‌توجهی نسبت به ابعاد مهم دیگری از حکمرانی مانند آموزش، بهداشت، اشتغال، رفاه جامعه و... شده است. در واقع، بخش زیادی از بودجه دولت‌ها در این منطقه صرف هزینه‌های نظامی و امنیتی می‌شود که مقابله با تروریسم یکی از اهداف اصلی آن است.

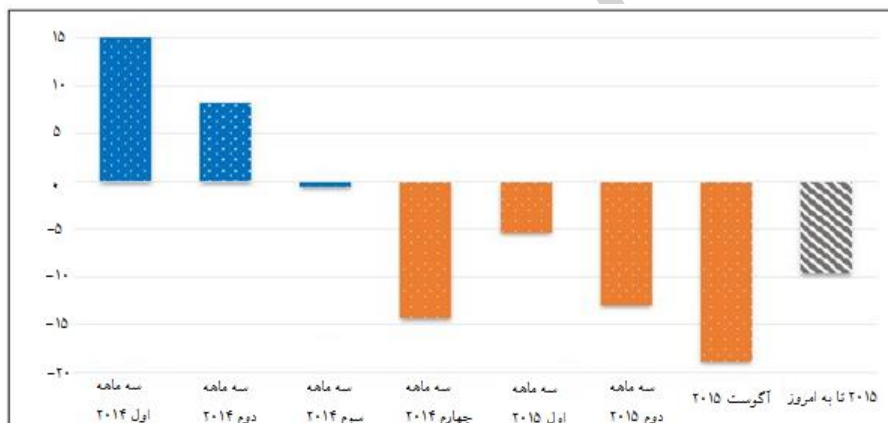
تروریسم بر گردشگری در منطقه نیز تأثیر زیادی داشته است؛ به‌ویژه برای کشورهای که درآمدهای گردشگری قابل توجهی دارند و این درآمدها نقش مهمی در اقتصاد آن‌ها ایفا می‌کند. بر اساس ارزیابی صندوق بین‌المللی پول، افزایش بی‌سابقه حملات تروریستی در ترکیه در سال ۲۰۱۵ باعث کاهش شدید حضور گردشگران در این کشور و در نتیجه، افول یک درصدی رشد اقتصادی آن در سال ۲۰۱۶ شد^۱ (IMF, 2017). بعد از اتفاق تروریستی منجر به سقوط هواپیمای روسیه در صحرای سینا، به دلیل محدودیت‌هایی که دولت‌هایی مانند روسیه و بریتانیا برای سفر شهروندان‌شان به مصر ایجاد کردند، خسارت قابل توجهی به اقتصاد این کشور وارد شد (Moreau, 2015). به دنبال اقدامات تروریستی ۲۰۱۵ در تونس، صنعت گردشگری این کشور که یکی از منابع اصلی درآمدی آن است، با وضعیت بسیار بدی مواجه

۱. البته باید به این نکته توجه داشت که ترکیه در سال ۲۰۱۶ با دو مسئله مهم دیگر نیز مواجه شد؛ یکی، کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ و دیگری، تنش با روسیه بر سر هدف قرارگرفتن جنگنده روسیه توسط جنگنده ترکیه در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵. این دو مورد نیز در کاهش حضور گردشگران خارجی در ترکیه نقش داشته است. به همین دلیل است که گفته می‌شود پیامدهای غیرمستقیم تروریسم بر اقتصاد به‌سختی قابل محاسبه دقیق است.

شد. درآمد تونس از گردشگری در سال ۲۰۱۰ معادل ۳/۵ میلیارد دلار بود، که در ۲۰۱۵ به ۱/۵ میلیارد دلار افول کرد (Financial Times, 2016). در سه ماه اول ۲۰۱۶ نیز نسبت به سال قبل از آن، ۲۰ درصد از تعداد گردشگران بین‌المللی تونس کاسته شد (Petroff, 2016). برای اقتصاد کوچکی مانند تونس که تولید ناخالص داخلی آن کمتر از ۵۰ میلیارد دلار است، این هزینه قابل توجهی است.

بر اساس آمارهای سازمان گردشگری جهانی ملل متحد، اقدامات تروریستی در مصر و تونس باعث کاهش شدید فعالیت‌های گردشگری در آن‌ها و این نیز منجر به کاهش رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در این کشورها شد (World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 4).

نمودار ۱۰. کاهش درصد ورودی گردشگران شمال آفریقا در پی حملات تروریستی در این منطقه



Source: World Bank Middle East & North Africa Region, 2016: 5

هزینه فرصت‌های از دست رفته‌ای که تروریسم بر غرب آسیا تحمیل کرده است را نیز باید به هزینه‌های غیرمستقیم تروریسم در غرب آسیا افزود. در واقع، تروریسم فرصت‌های زیادی را از کشورهای منطقه گرفته و نقش مهمی در اختلال در فرآیند توسعه آن‌ها بازی کرده است. تولید ناخالص سوریه بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ به‌طور میانگین سالانه ۴/۳ درصد رشد

داشته است. این در حالی است که بین ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ تولید ناخالص داخلی این کشور ۶۳ درصد کوچک‌تر شده است (The World Bank Group, 2017: iv-vii). هزینه فرصتی که در این مورد از دست رفته، بسیار سنگین است. در گزارشی از بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ آمده است در صورتی که کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا بتوانند از خشونت، درگیری و بی‌ثباتی عبور کرده و به دموکراسی کامل گذار کنند، رشد اقتصادی آن‌ها که انتظار می‌رود ۳/۳ درصد باشد، به ۷/۸ درصد خواهد رسید (The World Bank, February 3, 2016). این به آن معناست که پتانسیل رشد اقتصادی غرب آسیا بسیار بیشتر از چیزی است که در عمل اتفاق می‌افتد، اما وضعیت این منطقه که عمدتاً ناشی از خشونت، درگیری و بی‌ثباتی گسترده و نیز ناکارآمدی دولت‌ها و رقابت مخرب میان آن‌هاست، اجازه تحقق ظرفیت‌های واقعی را نمی‌دهد. این نشان می‌دهد کشورهای منطقه چه فرصت‌های بزرگی را از دست داده‌اند و همچنان این روند ادامه دارد.

با توجه به اینکه پیامدهای اقتصادی تروریسم در یک کشور یا منطقه محدود به همان کشور یا منطقه نمی‌شود و مشکلات ناشی از این پدیده به کشورها و مناطق همجوار نیز تسری می‌یابد، پیامدهای تروریسم در غرب آسیا را نیز باید فراتر از جاهایی که تروریست‌ها حضور دارند و اقدام به حملات تروریستی می‌کنند، دانست. همچنین، الگوی عملکردی گروه‌های تروریستی که در غرب آسیا حضور دارند، جهانی است و تقریباً همه جهان با پیامدهای اقدامات آن‌ها مواجه است و به همین دلیل است که همگان این پدیده را تهدیدی علیه خود می‌دانند. فریدمن در کتاب «دنیا مسطح است» ضمن اینکه از مسطح شدن جهان به این معنا که همه مراکز دانش سیاره در یک شبکه جهانی متصل می‌شوند و دوران حیرت‌انگیزی از رفاه، نوآوری و همکاری بین شرکت‌ها، جوامع انسانی و افراد فرا می‌رسد، استقبال می‌کند، اما اندیشیدن به دنیای مسطح را ترسناک نیز می‌داند «چون نه تنها نویسندگان نرم‌افزار و گیگ‌های کامپیوتری، که القاعده و شبکه‌های تروریستی هم با همکاری در این دنیای مسطح توانمند می‌شوند. زمین بازی فقط هموار نمی‌شود تا گروه‌های کاملاً جدید نوآور جذب و فوق‌العاده توانمند شوند، [بلکه] گروه‌های کاملاً تازه‌ای از زنان و مردان خشمگین، سرخورده و تحقیر شده هم جذب و فوق‌العاده توانمند می‌شوند» (فریدمن، ۱۳۸۹: ۲۰).

نتیجه گیری

تروریسم پدیده جدیدی نیست، اما در دو دهه گذشته به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات جهانی تبدیل شده است. یکی از دلایل اصلی آن، ظهور موج جدیدی از تروریسم است که هم به لحاظ فکری و هم از نظر تاکتیکی تفاوت‌های زیادی با موج‌های تروستی در گذشته دارد. این نوع از تروریسم که عمدتاً بر بنیادگرایی و تندروی مذهبی استوار است، بسیار خشن و تساهل‌ناپذیر بوده و حوزه «دگرها»^۱ را گسترده و حلقه «خودی‌ها» را کاملاً بسته و محدود به جمع تندرو اندکی تعریف می‌کند و چون مأموریت جهانی برای خویش قائل است، سعی دارد «دگرها» را مغلوب ساخته و حکومتی فراگیر ورای مرزهای ملی تشکیل دهد. در راستای رسیدن به این هدف نیز به هیچ میزانی از تخریب قانع نیست و اگر فرصت پیدا کند، هر نقطه‌ای از جهان را به عرصه تاخت و تاز خود تبدیل می‌کند. بنابراین، تخریبی که این موج از تروریسم ایجاد می‌کند، برای دولت‌ها هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم زیادی هم به صورت کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت در پی داشته است. در منطقه غرب آسیا که مرکز اصلی ظهور، بروز و جهت‌دهی این نوع تروریسم بوده و در چند سال اخیر نیز به مرکز جذب افراط‌گرایان تکفیری از نقاط مختلف جهان تبدیل شده است، این هزینه‌ها بسیار بیشتر و در برخی کشورها مانند عراق، سوریه، لیبی و یمن، ویران‌گر بوده است.

گروه‌های تروریستی در غرب آسیا تا کنون ده‌ها هزار نفر را کشته، صدها هزار را زخمی و باعث آوارگی میلیون‌ها انسان شده‌اند. تخریب زیرساخت‌ها، تشدید عدم قطعیت، امنیتی‌تر شدن فضا و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی دولت‌ها، بالا رفتن هزینه تجارت، کاهش سرمایه‌گذاری، از هم گسیختگی فرهنگی و اجتماعی و آسیب به بخش گردشگری از جمله مهم‌ترین پیامدهای اقدامات این گروه‌های تروریستی است که هزینه‌های اقتصادی زیادی بر دولت‌های منطقه تحمیل کرده است. این هزینه‌ها و فرصت‌های از دست رفته ناشی از تروریسم در منطقه که بسیار سنگین نیز بوده است، باعث اختلال در روند توسعه کشورهای منطقه شده است. البته تأثیرپذیری کشورهای منطقه از تروریسم یکسان نیست. برخی آسیب بسیار بیشتری از این پدیده دیده‌اند.

منابع

- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۵)، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره چهارم.
- فریدمن، تامس ال (۱۳۸۹)، دنیا مسطح است: جهانی شدن در قرن بیست و یکم، ترجمه رضا امیرحیمی، نشر ماهی، چاپ اول.
- Abadie, Alberto and Gardeazabal, Javier (2008), Terrorism and the world economy, **European Economic Review**, Volume 52, Issue 1.
- Aljazeera (30 Mar 2017), UN: Number of Syrian refugees passes five million, <http://www.aljazeera.com/news/2017/03/number-syrian-refugees-passes-million-170330132040023.html>
- Bandyopadhyay, Subhayu (2016), How Does Terrorism Affect Trade?, <https://www.stlouisfed.org/on-the-economy/2016/december/how-terrorism-affect-trade>
- Bandyopadhyay, Subhayu and Younas, Javed (2014), Terrorism: A Threat to Foreign Direct Investment, **The Regional Economist**.
- Bandyopadhyay, Subhayu, Sandler, Todd and Younas, Javed (2016), "Trade and Terrorism: A Disaggregated Approach" Working Paper No. 2016-001A, Federal Reserve Bank of St. Louis.
- Bandyopadhyay, Subhayu, Sandler, Todd, and Younas, Javed (2014), **Foreign direct investment, aid, and terrorism**, Oxford Economic Papers, Vol. 66, No.1.
- BBC News (2017), IS conflict 'has displaced more than 5m Iraqis', <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-41567411>
- Bilgel, Firat and Karahasan, Burhan Can (2015), The Economic Costs of Separatist Terrorism in Turkey, **Journal of Conflict Resolution**.
- Enders, Walter and Sandler, Todd (1996), "Terrorism and Foreign Direct Investment in Spain and Greece," **Kyklos**.
- Enders, Walter and Sandler, Todd (2006), **The Political Economy of Terrorism**, 2nd Edition, New York, Cambridge University Press.
- Enders, Walter, Sandler, Todd and Parise, Gerald F. (1992), An Econometric Analysis of the Impact of Terrorism on Tourism, **Kyklos International Review for Social Science**, Volume 45, Issue 4.
- Financial Times (2017), Tunisia faces economic battle as Isis terror drives tourists away, <https://www.ft.com/content/ac65c310-5faa-11e6-ae3f-77baadeb1c93>.
- Friedman, Uri (2016), Iraq: The World Capital of Terrorism, **The Atlantic**.
- Global Terrorism Index 2017 (2017), Global Terrorism Index 2017: Measuring and understanding the impact of terrorism, **Institute for Economics & Peace** (IEP).
- Hoekman, Bernard (2016), Intra-Regional Trade: Potential Catalyst for Growth in the Middle East, **Middle East Institute**.
- Hosie, Rachel (22 February 2017), Paris tourist numbers drop due to fears over further terror attacks, independent.
- IMF (2017), Turkey's Economy Hit by Declining Tourism, **International Monetary Fund**, <https://www.imf.org/en/News/Articles/2017/02/21/NA230217Turkeys-Economy-Hit-By-Declining-Tourism>.
- International Debt Statistics (2017), The World Bank.
- International Organization for Migration (2017), UN Migration Agency Organizes 'Migration and Displacement in Iraq' Conference in Erbil [EN/AR], <https://reliefweb.int/report/iraq/un-migration-agency-organizes-migration-and-displacement-iraq-conference-erbil-enar>.

- Khatun, Fahmida (2016), Cost of terrorism on the economy, The Daily Star, <http://www.thedailystar.net/op-ed/politics/cost-terrorism-the-economy-1262452>
- Kinyanjui, Solomon (2014), The Impact of Terrorism on Foreign Direct Investment in Kenya, **International Journal of Business Administration**, Vol. 5, No. 3.
- Komurculer, Gunes (September 02 2015), What is the cost of terrorism to Turkey's economy?, **Hürriyet Daily News**.
- Moreau, Madeleine (2015), What is the economic cost of terrorism?, <http://globalriskinsights.com/2015/12/what-is-the-economic-cost-of-terrorism/>.
- Myers, Joe (2015), What is the economic impact of terrorism?, **World Economic Forum**, <https://www.weforum.org/agenda/2015/11/what-is-the-economic-impact-of-terrorism/>
- Nitsch, Volker and Schumacher, Dieter (2004), "Terrorism and International Trade: An Empirical Investigation," **European Journal of Political Economy**, 20(2).
- Petroff, Alanna (2016), These countries are losing millions of tourists because of attacks, CNN, <http://money.cnn.com/2016/07/18/news/travel-flight-holiday-turkey-egypt-france-tunisia/index.html>
- Robinson, Eric Daniel Egel Patrick B. Johnston Sean Mann Alexander D. Rothenberg David Stebbins (2017), When the Islamic State Comes to Town: The Economic Impact of Islamic State Governance in Iraq and Syria, **RAND Corporation**.
- Ross, Sean, Top 5 Ways Terrorism Impacts the Economy, August 21, 2016, <http://www.investopedia.com/articles/markets/080216/top-5-ways-terrorism-impacts-economy.asp>
- Sandler, Todd (2014), The analytical study of terrorism: Taking stock, **Journal of Peace Research**, Vol. 51(2).
- Sandler, Todd and Walter Enders (2008), Economic consequences of terrorism in developed and developing countries: An overview, in Philip Keefer and Norman Loayza (eds.), **Terrorism, Economic Development and Political Openness**, Cambridge University Press.
- Sean Ross, Top 5 Ways Terrorism Impacts the Economy, August 21, 2016, <http://www.investopedia.com/articles/markets/080216/top-5-ways-terrorism-impacts-economy.asp>
- Sengupta, Somini (2017), Help Assad or Leave Cities in Ruins? The Politics of Rebuilding Syria, **The New York Times**.
- Shahbaz, Mian Awais, Asif Javed, Amina Dar, Tanzeela Sattar (2013), Impact of Terrorism on Foreign Direct Investment in Pakistan, **Archives of Business Research**, Volume 1 Issue 1.
- Sloboda, Brian W. (2003), "Assessing the Effects of Terrorism on Tourism by the Use of Time Series Methods," **Tourism Economics**, 9(2).
- START Background Report (2017), **Overview: Terrorism in 2016**, University of Maryland.
- The Local (21 February 2017), Paris region loses 1.5 million tourists over terror fears, <https://www.thelocal.fr/20170221/ile-de-france-paris-region-loses-1-5-million-tourists-to-terror-fears>.
- The World Bank Group** (2017), The Toll of War: Economic and Social Consequences of the Conflict in Syria, <http://www.worldbank.org/en/country/syria/publication/the-toll-of-war-the-economic-and-social-consequences-of-the-conflict-in-syria>.
- The World Bank** (February 3, 2016), Economic Effects of War and Peace in the Middle East and North Africa, <http://www.worldbank.org/en/news/press-release/2016/02/03/economic-effects-of-war-and-peace-in-the-middle-east-and-north-africa>.
- United Nations World Tourism Organization (UNWTO)**.
- World Bank Group (2017), **Global Economic Prospects: Weak Investment in Uncertain Times**, International Bank for Reconstruction and Development / World Bank.
- World Bank Middle East & North Africa Region (2016), The economic effects of war and peace, **The World Bank**.
- World Travel & Tourism Council (2017), **Travel & Tourism Economic Impact 2017**, <https://www.wttc.org/-/media/files/reports/economic-impact-research/regions-2017/world2017.pdf>